

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## تأثیر ایمان

تصمیم واراده آهنین زائیده ایمان است

«... از این راه میروم ، و از مرگ نمیترسم ، چه اینکه

مرگ برای «جوانمردان» عار نیست .

جوانمردانی که هدفشان حق ؛ و نیتشان پاک

و جهادشان برای خداست ... »

«حسین علیه السلام»

\* \* \*

هر قدر امام حسین (ع) بکوفه نزدیکتر میشد هیچان مردم واضطراب حکومت وقت پیش

می‌گردید .

جاده‌ای که مدینه را بکوفه متصل میکرد شدیداً تحت کنترل قرار گرفته ، و رفت و آمد

از آن بکلی ممنوع بود فرماندار جدید ، «عبدالله بن زیاد» بخوبی میدانست اگر امام حسین (ع)

وارد کوفه شود چنان انفجاری رخ میدهد که حتی جان او و با احتمال قوی شوکت و قدرت خاندان

بنی‌امیه در آتش آن خواهد سوخت . ماده این انقلاب از مدت‌ها پیش فراهم شده بود .

فرماندار فکر میکند بهر قیمتی ممکن است باید از نزدیک شدن امام حسین (ع) بکوفه

جلوگیری کند ، زیرا در غیر این صورت همه چیز او در خطر است .

لشکری آماده و مجهز بفرماندهی «حربن یزید» این ماموریت را بعهده گرفت ؛ و با استقبال امام شافت ، در نزدیکی قریه «ذو حسم» که فاصله نسبتاً زیادی تا کوفه داشت دولشکر با یکدیگر روبرو شدند .

فرمانده لشکر مردی صلحجو ، وهوشیار ، و علاقه مند بخاندان پیامبر اسلام (ص) بود و هرگز تن بجنگ با فرزند پیغمبر (ص) در نمیداد ، او در ضمن گفتگوهای طولانی خود از در خیرخواهی ؛ حضرت را از مبارزه با خاندان بنی امیه بر حذر داشت و عواقب خطرناک این مبارزه را برشمرد ؛ و گفت : من بر جان شما میترسم !

امام (ع) با قیافه ای خشمگین و صدائی محکم و رسا که عزم و تصمیم و شهادت از آن میباید اورا مخاطب ساخته و فرمود :

**أبالموت تخوفنی ؟ : مرا از مرگ میترسانی ؟ مگر من از کشته شدن در راه هدف و حشمتی دارم ؟ !**

یعنی : قیافه جانبازی و شهادت در راه خدانه تنها در نظر من زشت و وحشتناک نیست بلکه بسیار زیبا و دلپذیر است ؛ شهادت در راه مبارزه با شرک و بت پرستی و اجرای «اصول عدالت» همان اصولی که جدم پیامبر اسلام آنرا پایه گذاری کرده نه تنها ترسیدنی نیست ، بلکه هدف نهائی من است .

سپس اشعاری قرائت فرمود که مضمون شعر اولش جمله هائی است که در بالا ذکر شد ؛ و آخرین شعرش چنین میگوید :

« من اگر پیرو شوم سر بلند زندگی میکنم ؛ و اگر در این راه کشته شوم با شرافت و افتخار جان داده ام ، و از زیر بار ذلت رهائی یافته ام اما ذلت و تنگ بر تو است که زنده بمانی و سر بیزیر باشی !

\* \* \*

داستان کربلا مجموعه ای از عالیترین درسهای زندگی برای جامعه انسانی است ؛ درس فداکاری ؛ درس افتخار و فضیلت ، درس مناعت و علوهمت ؛ درس گذشت از همه چیز بخاطر مقدسترین هدفهای انسانی «اخلاق و عدالت» .

اما چیزی که بیش از همه در این داستان فراموش نشدنی جلب توجه میکند جلوه های مختلف «ایمان» ؛ و نمونه های بارز تصمیم و اراده ای است که از ایمان سر چشمه میگردد .

همه میدانیم لشکر امام حسین (ع) از نظر کمیت بسیار محدود بود و از هفتاد و چند نفر تجاوز نمی‌کرد ، و در میان همین جمعیت کم ، پیر مردان سالخورده‌ای بودند که قوانین جنگی آنها را از حضور در میدان نبرد معاف ساخته بود ، جوانان نوری شرکت داشتند که بحسب ظاهر از تاکتیک‌های جنگی کوچکترین اطلاعی نداشتند و تا آنوقت در هیچ میدانی قدم نگذاشته بودند .

در حالی که تعداد نفرات لشکر دشمن دهها هزار نفر بود اما همین لشکر بظواهر اندک ، با آن ترکیب خاص ، چنان ایستادگی و پایداری و مقاومت از خود نشان داد که خاطره جاوید جانبازی و فداکاری آنها با سطور طلائی و درخشان همیشه بر تارک تاریخ بشریت می‌درخشد و جهان انسانیت تا ابد بوجود چنین رادمردانی افتخار و مباحثات میکند .

انگیزه اصلی این پایداری و استقامت ، این همستگی و اتحاد ، این شهامت و شجاعت بی نظیر ؛ همان ایمان راسخ و خال ناپذیر آنها بهدف عالی و مقدسشان بود که آنها را برای هر نوع فداکاری و از خود گذشتگی آماده کرده بود .

آنها حق داشتند مفهوم «شکست» را درک نکنند ، زیرا در سایه این ایمان محکم همواره خود را پیروز میدیدند ؛ کشته شوند یا جان بسلامت بدربرند ، در هر دو حال ، پیروزند. همانطور که پرچمدار این نهضت عظیم حضرت امام حسین (ع) در خلال جمله‌های فوق ، این مطلب را برای فرمانده لشکر دشمن آشکارا بیان فرمود: **فان عشت لم اذم وان مت لم اثم !**

آری تاریخ کربلا این درس بزرگ را بما می‌آموزد که شرط اول موفقیت در هر کار ؛ برای هر کس ؛ از هر طبقه و در هر مقام ، ایمان راسخ بهدف است .

يك سرباز با ایمان در برابر لشکر دشمن تا آخرین نفس و آخرین قطره خون ایستادگی می‌کند .

يك دانشمند با ایمان برای مبارزه با عنفرت جهل و نجات بشریت از چنگال نادانی و عواقب مرگبار آن تا آخرین دقیقه عمر تلاش میکند و با انواع محرومیتها و ناکامی‌ها در این راه می‌سازد .

يك جوان با ایمان در آلوده ترین محیطها و در برابر انواع وسائل انحراف و فساد ایستادگی بخرج میدهد و دامنش آلوده گناه نمیشود .

يك مادر با ایمان برای تربیت صحیح فرزند خود از هر گونه فداکاری مضایقه نخواهد

کرد ... خلاصه شرط اول موفقیت در هر کار و در هر چیز ایمان را سنجیک هدف مقدس است .  
 شهامت و فداکاری میوه درخت «ایمان» و عالیترین تجلیات این حقیقت بزرگ است .  
 هنگامیکه نیروهای خود را برای نبرد با مشکلات میآزمائیم باید قبل از هر چیز نیروی  
 ایمان خود را نسبت بهدفعائی که داریم ارزیابی و آزمایش کنیم . زیرا اساسی موفقیت ما  
 در همینجا نهفته است .  
 هر جمعیتی باید قبل از آنکه بفکر تهیه سلاحهای گوناگون برای حفظ موجودیت خویش  
 بیافند بفکر تهیه سلاح ایمان باشد ؛ این سلاح معنوی از هر سلاحی برنده تر و قاطعتر است .

\* \* \*

یاران امام حسین (ع) صراحت و قاطعیت ایمان خود را بهدفع مقدسی که داشتند بجائی  
 رسانیده بودند که صبح عاشورا در آستانه جنگ خونینی که سرانجامش بطور مسلم شهادت  
 آنها بود در برابر خیمه های استاده ؛ شادمانی میکردند . از شدت شوق در پوست نیکنجیدند ، برای  
 نوشیدن شربت شهادت بر یکدیگر پیشی میگرفتند و بهم نوبت میدادند که بزودی در جوار رحمت  
 حق در بهشت برین بر بساط قرب پروردگاری یکدیگر را ملاقات خواهند کرد .  
 اگر آنها توانستند در این مبارزه مقدس با آن شرایط سخت و با آن نفرات کم «پروزی  
 نهائی» را بدست آورند و بساط بیدادگری عمال بنی امیه را با سبیل خروشان افکار عمومی  
 مسلمین که از قطرات خون آنها سرچشمه گرفته بود ؛ از بن برکنند ؛ رمز آن ایمان صریح  
 و قاطع آنها بود .

ما هم اگر بخواهیم در برابر طوفانهای سخت دوران زندگی موجودیت اجتماع خود را  
 حفظ کنیم باید قبل از هر چیز بران دوخته ایمان خود بیافزاییم و مخصوصاً برای دمیدن روح  
 ایمان در دلهای «نسل جوان» همه با هم کوشش کنیم .

## شکایت خود را پیش که بریم !

علی علیه السلام میفرماید :

اجعل شکواک الی من یقدر علی غناک

: تنها نزد کسی شکایت کن که می تواند تورا بی نیاز کند و مشکل

«غیر الحکم»

تورا حل کند !

دست حاجت چو بری نزد خداوندی بر

که رحیم است و کریم است و غفور است و ودود

کتابخانه و مرکز کتب اسلامی  
 قم - خیابان پارس ۱۳۴۳